سیاست در ایران

بازیچه شدن جنبش زنان ۶
شرط شرکت در انتخابات شوراها ۷
ترکیب هیات رئیسه مجلس تغییر می کند .....
تلاش اصولگرایان برای راهیابی به شوراها ....

سیاست در جهان

هراس عراقی ها از پلیس، بدون حضور آمریکایی ها
سیاه مشق نومحافظه کاران در عراق ۸
ترور شکلاتی ۹
آشتی آمریکا و ترکیه به خاطر بحران ایران ....

اقتصاد و بورس

دولت نهم پوپولیست نیست ۱۰
حمایت از خط لوله صلح .....
پارسیان شاخص را به اوج رساند ۱۱
اجرای قانون جدید، بازار سرمایه را تکان می دهد

بازار

خانه تکانی طلا ۱۲
ویتنام هم جهانی شد .....

■ دیپلماسی ■

دلایل منتفی شدن گفت وگوی ایران و آمریکا

ادامه از صفحه اول

گروه‌های دیگر هم باز به همین صورت و در واقع اقبالی نسبت به دکتر جعفری نشان نمی دادند. اگر شما به نامه دکتر جعفری به ائتلاف نگاه کنید که می گوید بنابر مصلحت ملی کنار می روم که دولت ائتلاف ملی شکل بگیرد، این نظر که دولت باید فراگیر باشد نگاه استراتژیکی است. چون دولت در این شرایط سخت عراق، مسئولیت سنگینی دارد و باید همگرا و مورد توافق همه گروه‌ها باشد. دکتر جعفری هم به این موضوع اشاره کرد. نگاه ائتلاف هم همین بود که کاندیدای پست نخست وزیری این جامعیت را داشته باشد. بنابراین دکتر جعفری خودش تصمیم گرفت اگرچه به لحاظ قانونی می توانست نخست وزیر باشد. این شجاعت را دکتر جعفری نشان داد. در این میان چند نکته هم محرز بود. اینکه کاندیدای بعدی را هم خود ائتلاف باید ارائه کند. دیگر اینکه انتخابات داخلی هم برگزار شد و براساس اجماع، نخست وزیر بعدی انتخاب شد. این شکل از انتخاب، قدرت چانه زنی ائتلاف را بسیار بالا می برد. نخست وزیر جدید حالا با قاطعیت پست را در اختیار گرفته. همه رهبران ائتلاف از آقای حکیم تا دیگران هم به وی تبریک گفتند. سپس جبهه اکراد و جبهه توافق که بزرگترین تشکل برادران اهل سنت بودند به آقای مالکی تبریک گفتند. در نتیجه با ابتکار خود ائتلاف و حمایت شخص آقای دکتر جعفری نخست وزیر انتخاب شد. آقای جواد مالکی شخصیتی است که به نظر می آید با توجه به سوابق اش در دوره معارضه و پس از سقوط صدام و نقشی که در داخل ائتلاف و مجلس و کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی و بعث زدایی و کمیته قانون اساسی شرکت داشت عنوان چهره‌ای خوب و قاطع و اصولگرا و دارای قدرت چانه زنی با دیگران را دارد و می تواند حکومت وحدت ملی را شکل بدهد، سرانجام نخست وزیر شد.

■ بعد از انتخاب شدن آقای مالکی به عنوان نخست وزیر این موضوع پیش آمد که ایشان در دوره صدام مدتی به سوریه پناهنده شد و مناسبات نزدیکی با دمشق دارد. آمریکایی ها هم از این خشنود هستند که نخست وزیر جدید همچون آقای جعفری نیست که روابط عمیق و نزدیکی با تهران داشت. افق روابط ایران و عراق را در دوره آقای مالکی چطور می بینید؟

در مورد اینکه آقای مالکی ایران نبودند و آقای دکتر جعفری بیشتر ایران بود به نظر من اینها ملاک چیزی نیست. آنچه که امروز به عنوان عراق می اندیشند آنهایی که در این ترکیب جدید حضور دارند به منافع مردم عراق فکر می کنند و بزرگترین دغدغه شان این است. در این وضعیت یکی از مسائل مهم رهبران عراق در سیاست خارجی شان تعامل با همسایگان و ایران است آن هم همسایه‌ای بزرگ با مشترکات دینی و سابقه طولانی حمایت های مردمی و کمک های طولانی و ویژگی های منحصربه فردی که دارد. با توجه به سیگنال هایی که ما تاکنون دریافت کردیم دولتمردان عراق دنبال این هستند که به جای آن تنش هایی که دولت رژیم قبلی با جنگ های تحمیلی به وجود آورد، پالس های درستی بفرستند. برای دولتمردان عراق این مهمترین مسئله در سیاست خارجی است. آقای دکتر جعفری مدت زیادی ایران بود و همین میزان در لندن به سر برد. آقای مالکی در سوریه به عنوان یک معارض به سر می برد اما همه اینها به دنبال این هستند که چگونه عراق بحران زده را آرام کنند. طبعاً در سیاست خارجی نگاهشان به کشورهای همسایه است. روابط دوره صدام از یادها برود و راه های تامین منافع عراق و همسایگانش پیدا شود. آن چیزی که ما از آقای مالکی ارزیابی کردیم و الان در مواضعشان نشان دادند این است که می خواهند روابط نزدیکی با ایران داشته باشند. جمهوری اسلامی نیز این را می خواهد. ایران از این جهت بسیار علاقه مند است که به دولتمردان عراق در زمینه صلح و ثبات و بازسازی کمک کند.

■ قبلاً صحبت می شد که آغاز مذاکره مستقیم ایران و آمریکا موکول به تشکیل دولت جدید عراق شده است. این اتفاق حالا افتاده و دولت دائمی عراقی ها شکل گرفته است. به نظر می آید که مقدمات مذاکره فراهم شده است. این مذاکره قرار است چه وقت آغاز شود؟

با توجه به رویکرد آمریکایی ها این مذاکره دیگر منتفی شده است اما اجازه بدهید تاریخ مختصری از موضوع مذاکره بدهم. شاید بیش از یک سال باشد که آمریکایی ها که در بغداد هستند سیگنال های درخواست مذاکره با ایران را می دهند تا مذاکره مستقیم بین دو کشور صورت گیرد. این سیگنال هایی که فرستاده می شد توسط مقام های عراق به ما منتقل می شد. مقام های عراقی به ما می گفتند آمریکایی ها می گویند اگر امکان دارد مذاکره انجام شود.

■ پاسخ ایران چه بود؟

مثبت نبود.

■ چرا؟

واقعاً نمی شود به آمریکایی ها اعتماد کرد. تجاربی که در گذشته بوده و آن چیزی که آمریکایی ها نشان دادند قابل اعتماد نیستند. جمهوری اسلامی ایران هم تاکید داشت که امروز ایران به طور مستقیم دارد با مردم و دولت عراق همکاری و به آنها کمک می کند که بتواند مستقر شود و ماموریت خود را انجام دهد. احساس نیاز اینکه با آمریکا بر سر میز مذاکره بنشینیم و درباره عراق صحبت کنیم نمی کردیم اما درخواست دولتمردان، رهبران و سیاستمداران عراقی نسبت به انجام این موضوع واقعاً زیاد شد. رئیس جمهور، نخست وزیر عراق، مقام های ارشد دولتی و شخصی آقای حکیم پیش بینی شان این بود که مذاکره مستقیم ایران و آمریکا می تواند کمک کند به حل مشکلات موجود عراق اگرچه من تاکید دارم که آمریکا در مذاکرات قابل اعتماد نیست. یعنی ما ندیدیم که نتیجه مثبتی از مذاکره با آمریکا به دست بیاید. اینک دولت دائم عراق نیز تشکیل شده و دیگر نیازی به مذاکره نیست.

■ اشاره شما به مذاکرات ژنو بر سر موضوع افغانستان و عراق است؟

ایران اگر در افغانستان وارد کار شد بنابر تشخیص خودش، برای کمک به افغانستان در تشکیل دولت ملی بود. ما در افغانستان چه می خواستیم؟ می خواستیم دولتی سر کار بیاید که امنیت را در آنجا برقرار کند، حکومتی شکل بگیرد که نسبت به کشورهای همسایه مشکلی نداشته باشد، مواد مخدر را کنترل کند، بتواند تعاملات دو کشور از جمله امنیت مرز را ایجاد کند. این سیاست ما بود. طبعاً سیاست با سیاست دیگر کشورها به طور موزائیکی روی هم می افتد. مفهوم این اتفاق این نیست که ما در یک طرح مشترک داریم کار می کنیم. در اجلاس های ۲+۶ که ایران حضور داشت این سیاستی بود که ما دنبال می کردیم. در مسئله اخیر عراق هم این طور بود. یک سال پیش وقتی خود آمریکایی ها برای مذاکره با ما درخواست کردند از طرف ایران جواب منفی بود اما خواست رهبران عراق ایران را به این نکته معطوف کرد که اگر مذاکرات بتواند کمک کند به حل مشکلات عراق، خوب است. ما فکر می کنیم سیاست هایی که آمریکا در عراق اعمال می کند اثر سوء بر فضای امنیتی آنجا دارد. عملیات بازسازی را به تاخیر می اندازد و کند می کند، فکر می کردیم شاید در مذاکرات بشود اصلاحاتی بر رفتار آمریکا انجام داد. ما در عراق دنبال ثبات و امنیت هستیم. اگر مذاکره می توانست این موضوع را ایجاد کند و مثلاً می توانستیم به آمریکایی ها بگوییم که سیاست های شما اشتباه است به نظر ما این کار اشکالی نداشت اما عرض کردم ما به آمریکایی ها اعتماد نداریم. این مذاکره به درخواست رهبران عراقی است و این به عنوان ابزاری است که ما به اهدافمان و سیاستمان در عراق برای ثبات آن کشور برسیم. در این فضا اگر مذاکره سازنده بود جمهوری اسلامی ایران پاسخش برای مذاکره مثبت بود اما اگر زمانی این مذاکره انجام می شد و می دیدیم که نتیجه ای نداردما نه اینکه اصراری به ادامه آن نداشتیم بلکه مذاکره را دنبال نمی کردیم. تاکید داشتیم که در مذاکره نماینده دولت عراق باشد. از نتیجه گفت وگوها اطلاع رسانی شود. اما اینک دولت عراق مستقر شده دیگر نیازی به مذاکره نمی بینیم.

■ مذاکرات ایران و آمریکا در قالب ۲+۶ به نظر مذاکرات سازنده‌ای بود. هم منافع تامین شد و هم خواست آمریکایی ها به عنوان عامل حمله به طالبان. نتیجه مذاکرات برای هر سه طرف یعنی ایران و آمریکا و افغانستان قابل قبول بود. اتفاق دیگری افتاده که شما می فرمایید به آمریکا نمی توان اعتماد کرد یا اشاره شما به سیاست های دو کشور در طول ۲۷ سال گذشته است؟

بله اساساً رفتار آمریکا با ما رفتار قابل اعتمادی نیست. جالب است که به شما بگویم این بی اعتمادی نه در بین رهبران ایرانی بلکه در بین رهبران و مقام های سیاسی دولتمردان عراقی به شدت دیده می شود. آنها وقتی که به رفتار آمریکا در صحنه عراق در ماه های اخیر نگاه می کنند اعتمادشان از بین می رود. مقام ها و رهبران عراق که ما را به مذاکره با آمریکا تشویق می کردند و می گفتند که خوب است انجام شود یا حداقل ضرری ندارد، همین ها امروز دچار تعارض جدی با دیدگاه گذشته شان شده اند. اگر تورق کنید حوادث دو- سه ماه اخیر و اتهاماتی که به سفیر آمریکا در عراق زده می شود و متهم اش می کنند که در جنایت سامرا ایشان ذی نقش است و باید جواب بدهد و نگاه طایفه‌ای وارد صحنه عراق می کند حرف کسانی است که تا دیروز می گفتند بد نیست میان ایران و آمریکا مذاکره صورت بگیرد. در نتیجه این بی اعتمادی کارکرد رفتار آمریکا در عراق و ۲۷ سال گذشته است. عراقی ها می گویند که آمریکا چیزی گفت اما طور دیگری رفتار کرد. طبیعی هم هست که آمریکا در عراق به دنبال منافع خودش است و یا اینکه منافع اش با ما هماهنگ است یا خیر اما چیزی که قابل توجه است این است که منافع آمریکا با منافع مردم عراق متعارض است. مثلاً امنیتی که آمریکا در عراق می خواهد درست کند منطبق با ساختار دفاعی و امنیتی خودش است نه ساختار امنیتی بومی عراق.

■ دلیل اش این است که آمریکایی ها به شرایط منطقه آشنا نیستند. این را از شروع جنگ نشان دادند که تصورشان از منطقه اگر غلط نباشد چندان هم دقیق و درست نیست. ایران می خواهد آمریکایی ها را با شرایط منطقه آشنا کند؟

اشاره کردم اگر مذاکره انجام می شد و می دیدیم که گوش شنوا وجود ندارد این آمادگی وجود داشت که مذاکره پایان بگیرد. البته با رویکرد آمریکا این مذاکرات دیگر منتفی است و انجام نخواهد شد. ما در عراق امنیت و ثبات می خواهیم. چرا؟ چون عراق ناامن کانون تروریسم است و کشورهای منطقه از امنیت عراق تاثیرپذیرند. عراق ناامن بهانه به کشورهای اشغالگر می دهد. اگر عراق ناامن باشد ما باید باز هم شاهد مهاجرین باشیم. عراق می تواند در امنیت منطقه نقش مهمی داشته باشد. ایران برای عراق در امنیت خلیج فارس هم نقش مهمی قائل است. بنابراین برای اینکه این ثبات به وجود بیاید قطعاً ما معتقدیم که ساختار دفاعی و امنیتی عراق باید بومی باشد و در این شکل گیری نقش همسایگان عراق نقش اول است. آن هم با تجارب و آمادگی ای که ایران دارد. این نقش می تواند در تصحیح رفتار آمریکا موثر باشد. اگر گوش شنوایی وجود داشته باشد این آمادگی از طرف ما وجود داشت. آمریکایی ها با این مذاکره می توانستند خسارت هایشان را کم کنند.

■ آقای هاشمی رفسنجانی می گفتند که این مذاکرات می تواند امتحانی باشد برای اینکه اگر آمریکا حسن نیت نشان می دادند، دستور جلسات مذاکره حتی فراتر از عراق هم می توانست برود.

من سخنگوی آقای هاشمی نیستم.

■ من تحلیل شما را می خواهم. شما تصور می کنید چنین چشم اندازی وجود داشت؟

آقای هاشمی هم به نوعی دارد بروز می دهد که آمریکایی ها قابل اعتماد نیستند. ببینید مذاکره ابزار دیپلماتیک است برای تامین منافع، یعنی شما اگر دیدید منافع از این طریق حاصل می شود، مذاکره را رد نمی کنید اما شاید خیلی هم مطمئن نباشید که بتوانید در چانه زنی ها به خواسته هایتان برسید. اما اگر این اتفاق واقعاً می افتاد و مذاکرات نتیجه مثبت می داشت، برای مسئولان ایرانی، این موضوع قابل ملاحظه بود. اما الان دیگر مذاکراتی انجام نخواهد شد.

■ مصداق حسن نیت آمریکایی ها را چه می دانید؟

در موضوع عراق؟

■ بله.

می توانست موضوعات امنیتی باشد. جمهوری اسلامی هم در این باره نظراتی دارد. ایران تنها به درخواست رهبران عراق پاسخ مثبت داده بود. اما حتماً در پرونده امنیتی عراق، موضوع منافقین می توانست یک مورد باشد. مثلاً می گویم- منافقین از دیدگاه مجامع بین المللی، اتحادیه اروپا و حتی وزارت خارجه آمریکا یک گروه تروریستی شناخته شده است. رفتار آمریکا درباره این موضوع می توانست نشانگر صداقت شان باشد. مثلاً می گویم: موضوعات را می شد روشن کرد. این را در جواب شما گفتم که مصداق صداقت را می گفتید.

■ آقای خلیل زاد سفیر آمریکا در عراق گفته که در زمان ماموریت شما در افغانستان با شما ملاقاتی داشته است. شما شخصیت خلیل زاد را چطور ارزیابی می کنید؟

ایشان نماینده آمریکا و به دنبال تامین منافع کشورش است. کارکردش در عراق در بین مقام های بغداد مثبت نیست، ایشان ابراز تمایل شدید می کند که مذاکرات انجام شود. خیلی علنی و شفاف هم طرح می کند. ایشان به عنوان نماینده مخصوص رئیس جمهور آمریکا و نماینده ارشد کشورش در عراق حضور دارد. اما اینکه می گوید با من در افغانستان ملاقات داشته صحت ندارد.

■ یعنی ملاقاتی با شما انجام نداده است؟

خیر. البته ایشان گفته که با من ملاقات داشته اما اظهاراتش حرف درستی نیست. چون مقطعی که در افغانستان بودم سرکنسول جمهوری اسلامی در هرات بودم و در کابل نبودم که با ایشان ملاقاتی انجام شود.

■ از زمان سقوط صدام رهبران مختلف کشورهای مختلف از بغداد دیدار کرده اند. چرا مقام های ایرانی به غیر از آقای کمال خرازی از عراق جدید دیدن نکردند و سطح سفرها بالاتر نرفته است؟

جمهوری اسلامی ایران هم به هر حال در سطح وزیر امور خارجه دیداری از عراق داشته است.

■ بله اما فقط یک سفر انجام شد و دیگر در سطح بالاتری هم تکرار نشد.

بله اما دیدار رهبران آمریکا و انگلیس بیش از آنکه ارتباطی بین روابط کشورشان با عراق داشته باشد، از منظر خودشان پیام هایی دارد. از ابتدای جنگ در عراق تا هنگامی که صدام سقوط کرد دو هفته طول کشید. آمریکا سرمست پیروزی نظامی و زودهنگام در عراق بود. البته من اینجا این را به شما بگویم سقوط زودهنگام صدام به این دلیل بود که روابط رژیم صدام و مردم کاملاً قطع بود. در حقیقت مهم ترین عاملی که صدام سقوط کرد همین بود. بسیاری از سفرهایی که آمریکایی ها به عراق انجام می دهند پیام اش این است: مثلاً انتخابات انجام می شود و اسلامی ها هم برنده می شود، بعد مثلاً آقای دیک چنی معاون جورج بوش می آید در عراق تبریک می گوید. واقعاً آمریکایی ها از نیمه انتخابات آنقدر خوشحال هستند که تبریک بگویند؟ همان روز به زندان های آمریکایی دستور می دهد که ۲۵ بعثی را آزاد کنند. خب این نشان می دهد که قصد آمریکا چیست اما می خواهد به هر حال بگوید که من در عراق هستم. این رفت و آمد بیشتر حاوی این پیام است و ارتباطی به روابط دوجانبه ندارد. اما حالا جمهوری اسلامی ایران مدافع عراق جدید و دولت تازه و مردم اش بود. امروز بیشترین کمک به بازسازی عراق را ایران انجام می دهد. این ما بودیم که همسایگان عراق را تشویق کردیم با رژیم جدید کار کنند. وقتی که ایران شورای حکومتی عراق را به رسمیت شناخت کشورهای منطقه ما را متهم کردند که ایران آمد به طرح توطئه آمریکا وارد شد. ما ادعامان این بود که رهبران امروز عراق همان معارضان دیروز هستند و تا مقطعی که انتخابات انجام شود بهترین ها همین ها هستند، کاری نداریم که آمریکایی ها چه می گویند. در عرصه سیاسی هیچ کشوری به اندازه جمهوری اسلامی حمایت نکرده است. پایه های کمک های دوجانبه را در این مقطع شکل دادیم. با تشکیل حکومت دائم وارد دوره اجرایی کردن پروژه ها می شویم. در عین حال جمهوری اسلامی ایران مشوق کشورهای منطقه در تعامل با عراق بود. ما تنها کشوری بودیم که با همه مولفه های سیاسی عراق مذاکره کردیم و تشویق شان کردیم که در فرآیند حکومت جدید مشارکت کنند. در بحران شهر فلوجه مذاکرات ما با برادران اهل سنت بود که بیایید در دولت حضور پیدا کنید، تحریم سیاسی نکنید. اینها بزرگترین خدمات ما به عراق بوده است. آمد و رفت هایی که شما می گویید انجام شده برای عراقی ها مفید نبوده است. حجم رفت و آمدهای ما در سال ۸۴ به بالاترین سطوح خود رسید. از طرفی از ایران هم وزیر امور خارجه رفته بودند. آقای دکتر خرازی به عراق آمد و تقریباً سه روز عراق از زیر پا گذاشت در حالی که مقام های رسمی آمریکا و انگلیس وقتی می خواهند بیایند از قبل اعلام نمی کنند و تقریباً هنگام خروج شان است که اعلام می شود. ایران در مقایسه با همه کشورها بیشترین تعامل و همکاری و تبادل هیات را داشته که البته بیشتر از طرف عراقی ها بود.

■ آیا جلسه وزرای خارجه همسایگان عراق هنگامی که قرار بود شهریورماه ۸۴ در تهران برگزار شود سرانجام در ایران برگزار خواهد شد یا به طور کامل لغو شده است؟

اجلاس وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق مورد توافق همه کشورها است. در آخرین رایزنی هم که با وزیر خارجه عراق داشتیم تمایل شان را برای برگزاری اجلاس ابراز کردند. از لحاظ زمانی ترجیح این بود که بعد از تشکیل حکومت دائمی جلسه انجام شود که ما امیدواریم با توجه به تشکیل دولت جدید در اولین فرصت بتوانیم این جلسه را در تهران برگزار کنیم.